



بررسی فقهی ماهیت وجودی نفقه زوجه

و کمیت و کیفیت آن در مذاهب خمسسه

محمد حسین شعبانی (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر)
حسین خورشیدی (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر) - از اهل سنت
حسن شاهعلی (پژوهشگر فقه و حقوق)



چکیده

فقها بر وجوب نفقه زوجه اتفاق نظر دارند خواه زوجه مسلمان باشد، خواه کافر. در صورتی که نکاح صحیح باشد و اگر معلوم شود نکاح فاسد بوده، زوج به مقدار آنچه از نفقه به زوجه داده حق رجوع دارد و از مبانی فقهی نفقه زوجه می‌توان به کتاب، سنت، اجماع، عقل و قیاس اشاره کرد. مقصود از ماهیت نفقه یا به صورت تملیکی است یا امتاعی، مقصود از تملیک در نفقه، آن است که زوج نفقه را به ملک زن در آورده و در تصرف وی قرار دهد و زن پس از آن که مالک نفقه می‌شود و مقصود از امتاع نیز آن است که مرد نفقه را به ملک زن در نمی‌آورد، بلکه آن را در اختیار همسرش قرار می‌دهد تا از آن استفاده کند و بهره‌مند شود و از تصرفات مالکانه محروم است و برای تشخیص ماهیت حق زن بر نفقه و بررسی اختلاف نظر فقها در این بحث، باید میان اموالی که انتفاع از آنها موجب تلف شدن آنهاست و اموالی که استفاده از آنها سبب تلف شدن عین آنها نیست تفاوت قائل شد؛ زیرا هر یک حکم مستقل دارد. در بحث کمیت و کیفیت نفقه، در شرع برای نفقه مقدار معینی مشخص نگردیده است و به همین خاطر اختلافات بسیاری میان فقها برای تشخیص نفقه و مصادیق آن وجود دارد و فقها در بیان انواع و مصادیق نفقه برخی سه برخی شش، بعضی هفت و در نهایت هشت مورد را ذکر نموده‌اند.

واژگان کلیدی: زوج، زوجه، نفقه، تمکین، نکاح، مذاهب خمسسه.



مبانی فقهی نفقه زوجه

فقهها بر وجوب نفقه زوجه اتفاق نظر دارند خواه زوجه مسلمان باشد یا کافر در صورتی که نکاح صحیح باشد. بنابراین هرگاه آشکار شود ازدواج فاسد و باطل بوده است زوج به آنچه که از نفقه به زوجه پرداخته است رجوع می کند. وجوب نفقه در قرآن، سنت، اجماع، عقل ثابت شده است. (حصکفی، ص ۵۷۲)

فقههای امامیه برای وجوب نفقه زوجه به کتاب، سنت و اجماع استدلال کرده اند و فقههای عامه علاوه بر آن به عقل و قیاس نیز تمسک نموده اند. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۰۱ و شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۳۹)

الف) کتاب (قرآن کریم)
مهم ترین آیاتی که برای وجوب نفقه زوجه به آن ها استدلال شده است عبارت اند از:
آیه اول

«عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ: بر صاحب فرزند (پدر) است که خوراک و پوشاک

مادر را به طور متعارف و شایسته بدهد». (بقره: ۲۳۳)

خداوند متعال پس از این که احکام طلاق را در آیات قبلی بیان نموده است در این آیه پدران را به تأمین خوراک و پوشاک مادران به نحو متعارف مکلف نموده است. بسیاری از فقهها برای وجوب نفقه زوجه به این آیه استدلال نموده اند. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۰۱ و شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۳۸ و سبزواری، ص ۲۸۷ و کاسانی، ص ۱۵)

آیه دوم

«لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا: مرد توانگر باید از وسعت خود انفاق کند و آن که تنگدست و فقیر باشد باید از آنچه خدا به او داده انفاق کند خدا هیچ کس را جز به اندازه آنچه که به او داده تکلیف نمی کند». (طلاق آیه ۷)

این آیه مانند آیه قبل درباره مطلقات می باشد و خداوند در آیه فوق امر به انفاق می کند که هر کس به اندازه وسعت و توانایی خویش انفاق کند، کسی که دارای وسعت و گشایش در روزی است بر حسب حال خود و با گشاده دستی و کسی که رزق و روزی اش کم است و معسر و تنگدست می باشد به میزان آنچه که خدا به او عطا کرده انفاق نماید.

ب) سنت

روایات بسیاری بر وجوب نفقه زوجه دلالت می کنند که در اینجا به بیان برخی از آن ها اکتفا می کنیم.



روایت اول

امام صادق (ع) می‌فرماید: زنی خدمت پیامبر (ص) آمد و از حق زوج بر زوجه پرسید و پاسخش را شنید، سپس از حق زوج بر زوجه پرسید، پیامبر (ص) فرمود:

«يَكْسُوهَا مِنَ الْعُرْيِ وَيُطْعِمُهَا مِنَ الْجُوعِ وَإِذَا أُذْتُبَتْ عَفَرَ لَهَا: مرد باید بدن زن را بپوشاند، شکم

او را سیر کند و اگر زن متوجه جهالتی شده، وی او را ببخشد». (الکافی، ج ۵، ص ۵۱۱)

این حدیث نیز به صراحت بر وجوب نفقه زوجه دلالت دارد و نفقه را حق زوجه دانسته، مرد را به تأمین آن مکلف می‌کند.

روایت دوم

امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کنند که آن حضرت فرمودند:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ صَيَّعَ مَنْ يَحُولُ: مورد لعن و نفرین است کسی که خانواده و عاقله خویش را

ضایع کند». (حرعاملی، ج ۲۱، ص ۵۴۳)

یعنی حقوق آن‌ها را تضییع کند و هزینه‌های زندگی آن‌ها را تأمین نکند. (فرشتیان، ص ۴۴)

ج) اجماع

اصل وجوب نفقه، مسأله‌ای اجماعی است و همه فقهای مذاهب خمسسه بر آن اتفاق نظر دارند. (ابوزهره، ص ۲۹۶ و نجفی، جلد ۳۱، ص ۳۰۱ و بهوتی، ج ۵، ص ۴۰۱) ابوزهره در کتاب «محاضرات فی عقد الزواج» می‌نویسد: مسلمانان از صدر اسلام تا کنون بر وجوب نفقه اجماع کرده‌اند و احدی با آن مخالفت نکرده است. (ابوزهره، ص ۲۹۶)

ت) عقل

در مذاهب چهارگانه اهل سنت به دلیل عقلی بر وجوب نفقه، استدلال شده است. از آنجا که شوهر به جهت استمتاعی که از زوجه دارد، باعث می‌شود زوجه از برخی منافعش محروم و محبوس گردد، باید مئونه و هزینه‌های زندگی زوجه‌اش را در عوض این احتباس یا به جزای این احتباس تأمین نماید، همچنان که امام از بیت‌المال باید نفقه کسانی را که به جنگ رفته‌اند به جهت آن که نفوس خویش را برای جهاد حبس کرده‌اند، بپردازد. بنابراین شوهر نیز باید نفقه زوجه‌اش را که نفس خویش را برای استمتاع وی حبس نموده، بپردازد. (بغوی، ج ۶، ص ۳۲۳)

تفاوتی که در استدلال فوق میان مذاهب مذکور وجود دارد، آن است که حنفی‌ها نفقه را جزای احتباس و مذاهب دیگر آن را عوض احتباس یا تمکین می‌دانند.

ماهیت فقهی نفقه

آیا زن آنچه را که مرد به عنوان نفقه به وی می‌دهد مالک می‌شود یا صرفاً اذن در انتفاع پیدا می‌کند و او فقط می‌تواند از آن استفاده کند؟

در صورتی که شوهر نفقه را به زن تملیک کند وی حق هر گونه تصرف و استفاده از آن را دارد و همانند اموال خویش می‌تواند آن را بفروشد یا ببخشد یا با صرفه‌جویی آن را پس‌انداز کند و در صورت تلف شدن حتی در اثر افراط و تفریط در برابر شوهر مسئول نخواهد بود؛ اما در صورتی که مرد نفقه را به همسرش امتاع کند وی فقط حق استفاده از آن را دارد و از تصرفات مالکانه در آن محروم است. (صدر، ج ۶، ص ۲۸۱) و فقط با اذن شوهر حق این گونه تصرفات را دارد و در صورت استفاده نادرست و افراط و تفریط در برابر همسرش مسئول خواهد بود. در مورد تملیک یا حق استفاده از نفقه سه دیدگاه در فقه وجود دارد.

۱. ماهیت اموالی که انتفاع از آن‌ها موجب از بین رفتن آن‌هاست

در مورد اموالی چون خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و اشیائی مانند صابون، روغن که مصرف کردن آن‌ها موجب تلف شدن عین آن‌هاست، تمامی فقهای مذاهب غیر از مذهب حنفی، معتقدند انفاق زوج بر زوجه به وجه تملیکی است و زن پس از دریافت این قبیل اشیاء حق تصرف مالکانه در آن‌ها را دارد.

در مورد این اموال مصرف شدنی باید مالکیت زن را بر نفقه پذیرفت زیرا اولاً در این اموال حق انتفاع از مالکیت جدا شدنی نیست چرا که انتفاع از این اموال با از بین رفتن و تلف شدن عین آن‌ها همراه است و به همین دلیل هنگامی که مرد نفقه همسرش را می‌پردازد ظاهراً قصد تملیک دارد و همین ظهور عرفی کافی است تا زن را مالک نفقه بدانیم. (کاتوزیان، ج ۱، ص ۱۷۶)

۲. ماهیت اموالی که انتفاع از آن‌ها موجب از بین رفتن عین آن‌ها نیست

اموالی مانند مسکن، اثاثیه منزل، لباس و... که استفاده از آن‌ها موجب تلف شدن اصل آن نمی‌شود، هر چند با به کار گرفتن فرسوده می‌شوند، ولی عین آن‌ها باقی می‌مانند، با توجه به احکام متفاوتی که دارند به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) مسکن و خادم

به اجماع فقهای مذاهب، مسکن و خادم، مورد تملیک زوجه قرار نمی‌گیرد، تنها بر شوهر واجب است برای همسرش مسکنی را جهت استفاده از منافع آن، تهیه نماید، خواه تهیه مسکن به صورت اجاره یا رهن یا عاریه باشد. همچنین زن مالک منافع خادم نیست، بلکه اگر زنی به اقتضای شأن خود، به خدمت در خانه نمی‌پردازد و در خانه پدر دارای خدمتکار بوده و یا به علت بیماری احتیاج به خادم دارد، می‌تواند از شوهر، مطالبه خادم نماید و از منافع خدمتکار استفاده کند و مرد مخیر است خادمی را اجیر کند یا آن که خود به خدمت زن برخیزد.



ب) لباس و اثاث منزل

درباره این اموال میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. حنفی‌ها و برخی از شافعی‌ها و برخی از فقهای امامی، قائل به امتاعی بودن این اموال هستند و حنبلی‌ها در ظروف، وسایل پخت و پز و نظافت و مانند آن همین نظر را دارند، ولی در لباس، فرش و امثال آن معتقدند پس از دریافت این اموال، به مالکیت زوجه درمی‌آیند. مالکی‌ها و برخی از فقهای شافعی و امامی حکم این قسم را مانند خوراک دانسته که زوج به همسرش تملیک می‌کند و زن مالک آن‌ها شده و حق تصرف مالکانه دارد.

۳. ثمرات فقهی اختلاف در امتاعی یا تملیکی بودن نفقه

الف) اگر انفاق به صورت تملیک باشد، زوجه می‌تواند به هر نحو که بخواهد در آن تصرفات مالکانه انجام دهد، مثلاً اگر بخواهد لباس خود را بفروشد یا اجاره و یا عاریه بدهد و...، به شرط آن که با غرض زوج از انفاق لباس یا طعام، منافات نداشته باشد، مانند آن که لباسی را برای تزئین و تجمل و مانند آن انفاق کرده یا طعام را به منظور قوت زن انفاق کرده است، اگر زن خوراک یا لباس را به مصرف خود نرساند و به دیگری بدهد، این بخشش او، در خوراک، منجر به ضعف می‌شود و در احوال او یا تمکین او تأثیر دارد؛ اما اگر نفقه تنها به خاطر انتفاع زوجه باشد، فروش و اجاره و مانند آن جایز نمی‌باشد، مگر مالک آن یعنی زوج، به او اجازه دهد و زوجه به اندازه نیاز خود، از مصادیقی که به او انفاق می‌شود حق بهره‌برداری دارد. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۴۹ و شهیدثانی، ج ۸، ص ۶۶)

ب) بنا بر قول بر امتاع، زوج حق دارد چیزهایی که به همسرش داده است را از او بگیرد و به جای آن چیز دیگری را به او بدهد، ولی بنا بر قول تملیک این حق برای زوج ثابت نمی‌شود. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۴۹ و شهیدثانی، ج ۸، ص ۶۶)

د) اگر زوج بخواهد با عاریه کردن یا اجاره نمودن لباس، نیاز زن را به پوشش تأمین نماید، بنا بر قول تملیک جایز نیست، ولی بنا بر قول امتاع اجاره یا عاریه لباس جایز است و اگر مستعار تلف شود، ضمان آن بر زوج خواهد بود.

ماهیت حقوقی نفقه

منظور از ماهیت حقوقی نفقه یا طبیعت حق زن بر نفقه، ریشه‌ها و نیروهای الزام‌آور قواعد حقوقی است که می‌تواند سرچشمه‌های مختلفی باشد و آن است که ببینیم آیا زن آنچه را که شوهر به عنوان نفقه به او می‌دهد مالک می‌شود یا فقط اذن در انتفاع به زن داده شده و او می‌تواند از آن استفاده کند.

۱. طبیعت حقوقی زن نسبت به نفقه

نفقه زن برای اعاشه و زندگانی اوست، لذا باید قبل از وقت احتیاج آماده باشد تا زن در موقع

لازم بتواند از آن بهره‌مند گردد. اشیایی که شوهر به‌عنوان نفقه زن خود می‌دهد مختلف است، بعضی را شوهر تحت اختیار او می‌گذارد تا از آن منتفع گردد مانند مسکن، فرش و امثال آن و بعضی را به او می‌دهد تا مصرف نماید از قبیل خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، لذا نحوه رابطه حقوقی زن نسبت به آن‌ها متفاوت است. (امامی، ج ۴، ص ۵۰۶)

۲. نفقه زن در دوران زوجیت

در اثر نکاح دائم، شوهر ملزم به دادن نفقه به زوجه خود می‌گردد. ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی می‌گوید: «در عقد دائم نفقه زن به‌عهده شوهر است». چنان‌که از ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی استنباط می‌شود استحقاق زن به نفقه، زمانی است که ناشزه نگردد یعنی از تکالیفی که در اثر نکاح در مقابل شوهر عهده‌دار است سرپیچی نکند.

۳. اثر نشوز زن بر استحقاق نفقه

در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی آمده: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود»؛ و در مورد نشوز زن گفته شده: «اگر زن بدون عذر موجه حاضر نشود که با شوهر خود زندگی کند یا رابطه جنسی داشته باشد یا با او در اداره خانواده همکاری کند، حقی بر نفقه ندارد و عذر موجه، مانند خوف بدنی یا مالی یا شرافتی، امتناع زن از رفتن به خانه شوهر را توجیه می‌کند و او را از کیفر مدنی محروم ماندن از نفقه معاف می‌سازد؛ و در اختلاف زن و شوهر درباره پرداخت نفقه مدعی شوهر است، مگر این‌که ظاهر زندگی زناشویی و قرائن به سود او باشد و دلالت بر پرداخت کند». (کاتوزیان، ص ۶۷۴)

❖ کمیت و کیفیت نفقه

در شرع برای نفقه، مقدار معینی مشخص نگردیده است (شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۳۹ و جمال‌الدین حلی، ج ۳، ص ۴۳) و به همین خاطر اختلافات بسیاری میان فقها برای تشخیص نفقه و مصادیق آن وجود دارد و فقها در بیان انواع و مصادیق نفقه برخی سه (حصکفی، ج ۳، ص ۵۷۳) برخی شش (محقق حلی، ج ۲، ص ۲۹۳ و علامه حلی، ج ۲، ص ۳۳) بعضی هفت (شهیدثانی، ج ۵، ص ۴۶) و در نهایت هشت (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۳۱) مورد را ذکر نموده‌اند و علت این اختلافات به دو سبب است. (بصری، ص ۵۳)

الف) عدم وضوح مقیاس و معیار عام در نفقات زوجه در نزد بسیاری از فقها و بسنده نمودن آن‌ها به آنچه که در نصوص شریفه از زبان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) در بیان مصادیق نفقه وارد شده است.

ب) تفاوت میان عرف‌های اجتماعی در اعصار گوناگون و اماکن مختلف سبب گردیده که فقها در بیان و تشخیص مصادیق نفقه با هم اختلاف داشته باشند.



۱. انواع و مقدار نفقه

در این مبحث انواع و مقدار چیزهایی را که شامل نفقه می‌شود و نفقه به آن‌ها تعلق می‌گیرد از جمله: خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث منزل، خادم و هزینه دارو و درمان را مورد بررسی قرار می‌دهیم و هر یک را بخش جداگانه می‌آوریم.

۱.۱. خوراک و مقدار آن

خوراک شامل خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها می‌شود و علاوه بر غذا (مانند نان و برنج) خورش غذا (مانند روغن، پنیر و گوشت و...) را نیز در بر می‌گیرد؛ و خورش با اختلاف فصول متفاوت می‌شود. میوه نیز متناسب با فصل‌های سال واجب می‌شود. (شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۵۶ و زحیلی، ج ۷، ص ۷۹۸)

خوراک و مقدار آن از نظر امامیه

از میان فقهای امامیه شیخ طوسی در کتاب «الخلافا» نفقه زوجه را مطلقاً یک مد طعام در نظر گرفته است ولی در کتاب «مبسوط» قائل به تفصیل شده، بدین گونه در صورتی که شوهر توانگر باشد بایستی برای هر روز دو مد طعام و اگر معسر و فقیر باشد یک مد طعام و اگر از وضع معیشتی متوسطی برخوردار باشد باید یک مد و نیم بپردازد. (شیخ طوسی، ج ۵، ص ۱۱۲ و شیخ طوسی، ج ۶، ص ۶ و محقق سبزواری، ص ۵۱۲)

ابن ادریس با نظر شیخ طوسی مخالفت کرده و فرموده‌اند: هیچ فقیهی از امامیه حدی برای نفقه معین نکرده است مگر شیخ طوسی و ایشان دلیل بر عدم مقدار برای نفقه را قول خداوند متعال در آیه شریفه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) دانسته یعنی به آنچه که در نزد مرد متعارف است. هم‌چنین ایشان دلیل آورده‌اند که در مقدار نفقه، اصل، برائت ذمه زوج از تعیین حد و مقدار نفقه است پس کسی که چیز معینی را در نفقه ادعا می‌کند باید دلیل بیاورد اما دلیلی در کتاب و سنت و اجماع وجود ندارد و اصل، برائت ذمه زوج از مقدار زائد می‌باشد. (ابن ادریس حلی، ج ۲، ص ۶۵۵)

خوراک و توابع آنان از نظر فقهای عامه

فقهای اهل سنت اظهار داشته‌اند که زوج باید خوراک و نوشیدنی و خورش و آنچه که تابع آن است از آب و سرکه و زیتون و روغن خوراکی و هیزم و سوخت (جهت پختن و آماده کردن غذا) و مانند آن‌ها را برای زوجه تهیه نماید ولی تهیه میوه واجب نمی‌باشد. (کاسانی، ج ۴، ص ۲۳ و سیواسی، ج ۹، ص ۴۲۱ و حصکفی، ج ۳، ص ۵۷۹ و ابن رشد قرطبی، ج ۲، ص ۵۴ و ابن براج، ج ۲، ص ۱۶۱ و ابن قدامه، ج ۸، ص ۱۹۶ و بهوتی، ج ۵، ص ۴۶۰)

جمهور فقهای اهل سنت به جز شافعیه معتقدند که مقدار طعام به قدر کفایت زوجه تعیین می‌شود. (ابن قدامه، ج ۳، ص ۲۳۱) یعنی به آنچه که نیاز زوجه از طعام را کفایت کند (همانند نفقه اقارب) و برای این گفته خویش استناد کرده‌اند به سخن پیامبر (ص) که به همسر ابوسفیان فرمودند: «خُذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ: به مقداری که تو و فرزندت را کفایت کند به شایستگی از اموال او بردار».

شافعیه در مقابل جمهور فقهای اهل سنت، قائل اند که نفقه طعام از حیوانات، به مقدار معینی بر اساس توانگری یا فقر زوج تعیین می شود زیرا کمترین چیزی که در کفاره به یک نفر پرداخت می شود یک مد (مد به نظر شافعیه بر اساس وزن ۱۷۱ درهم) از حیوانات می باشد و خداوند سبحان کفاره را با نفقه بر خویشان سنجیده است آنجایی که می فرماید:

«مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ: از غذاهای متوسطی که به خانواده خویش می خورانید.»

(مائده: ۸۹)

شافعیه دلیل آورده اند که هر یک از کفاره و نفقه مالی هستند که به واسطه قانون شرع واجب شده و بر ذمه مستقر می گردد بنابراین چنانچه زوج ثروتمند باشد باید برای هر روز دو مد طعام بپردازد و اگر فقیر باشد یک مد و اگر از افراد متوسط جامعه باشد باید یک مد و نیم طعام بپردازد، شافعیه برای این تفصیل خویش به آیه ۷ سوره طلاق «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ» استناد نموده اند.

کیفیت تقدیر طعام از نظر فقهای عامه

فقهای اهل سنت در کیفیت تقدیر نفقه طعام دو نظر دارند.

نظریه اول: مالکیه و حنابله معتقدند مقدار نفقه با توجه به وضعیت زوجین از لحاظ توانگری و فقر و مراعات جایگاه و شرافت زن و وضعیت شهرها تعیین می شود و برای این نظر استناد نموده اند به قول خداوند:

«لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق: ۷)

و سخن پیامبر (ص): «خُذِي مَا يَكْفِيكَ وَ لَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ» (شوکانی، ج ۶، ص ۳۸۲) البته از نظر حنابله وضعیت زوجین در هنگام عقد از دواج معتبر می باشد. نظریه دوم: حنفیه و شافعیه معتقدند نفقه طعام و پوشاک با توجه به فقر و غنای زوج تعیین می شود و برای این نظر استناد نموده اند به آیه ۷ سوره طلاق:

«لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» و حدیث پیامبر (ص): «أَطْعِمُوهُنَّ مِمَّا تَأْكُلُونَ، وَ اكْسُوهُنَّ مِمَّا تَكْسُونَ، وَلَا تَضْرِبُوهُنَّ وَلَا تَقْبَحُوهُنَّ: از آنچه که می خورید آنان را طعام دهید و از آنچه که می پوشید آنان را بپوشانید و آنان را نزنید و آنان را سرزنش نکنید.»

همچنین آن ها دلیل آورده اند که نفقه بر زوج واجب می باشد و زوج به حال و وضعیت همسرش رضایت داده است و مقصود از کلمه معروف در حدیث، تعیین واجب بر زوج می باشد بنابراین وضعیت زوج در نظر گرفته می شود نه زوجه.



زمان ادای خوراک از نظر مذاهب اربعه

حنفیه و مالکیه قائل اند هر روشی که مناسب حال زوج می باشد و برای وی نیکو و آسان تر باشد در پرداخت نفقه تعیین می شود. (ابن عابدین، ج ۳، ص ۵۸۱) خواه به صورت روزانه باشد یا هفتگی یا ماهیانه یا سالیانه.

شافعیه و حنابله گفته اند که نفقه باید در ابتدای هر روز با طلوع خورشید در دسترس زوج قرار بگیرد چرا که این زمان ابتدای وقت حاجت می باشد و اگر در زمان ادای نفقه با یکدیگر توافق نمایند جایز است. (شریعی، ج ۵، ص ۱۵۳)

شهید ثانی در مورد زمان ادای نفقه می فرماید: با توجه به این که مقصود از نفقه، رفع فقر و نیاز زوج می باشد (چون که زوج به جهت آن محبوس می باشد) پس واجب آن است که نفقه روز به روز به زن داده شود زیرا که اطمینانی نیست به این که زوج تمام شرایط استحقاق نفقه مازاد بر یک روز را داشته باشد و احتیاج زوج به همین مقدار بر طرف می شود پس بر مرد واجب است که در صبح هر روز هنگامی که خورشید طلوع می کند نفقه زن را بپردازد و بر زن لازم نیست تا شب صبر نماید تا این که وجوب نفقه بر ذمه شوهر مستقر گردد چرا که زوج پیش از تمام شدن روز به نفقه همان روز محتاج است. (شهید ثانی، ج ۸، ص ۴۶۲)

۱,۲. پوشاک

پوشاک عبارت است از: پیراهن، شلوار، کفش، جوراب، مقنعه و... و هر آنچه که انسان می پوشد. آنچه از ادله و منابع فقهی استفاده می شود، تهیه پوشاک زوج، به عنوان نفقه، بر زوج واجب است. برخی از فقهای حنبلی از انواع پوشاک، لباس تجملی و زینتی را استثناء نموده و معتقدند اگر عادت غالب مردم شهر، پوشیدن لباس های کتان و حریر باشد، مراعات این عادت لازم نیست؛ اما بسیاری از فقهای امامی معتقدند اگر زن اهل تجمل باشد یا عادت مردم، پوشیدن این لباس هاست، بر مرد تهیه لباس های تجملی واجب می شود. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۳۴ و علامه حلی، ج ۳، ص ۱۰۵)

اکثر فقهای امامی در جنس لباس، عرف و عادت را ملاک قرار داده اند ولی بسیاری از فقهای شافعی، حنبلی و مالکی، حال زوجین را از لحاظ فقر و توانگری معتبر می دانند و معتقدند اگر زن و شوهر هر دو توانگر باشند، زوج لباس های متناسب با قشر و طبقه توانگران را باید تهیه کند و اگر هر دو فقیر باشند، تهیه لباس هایی که امثال آنان می پوشند، لازم می شود و اگر هر دو از طبقه متوسط جامعه باشند یا زوج فقیر و زوج توانگر، یا به عکس باشد، لباسی متناسب با طبقه متوسط جامعه باید تهیه گردد. (کاسانی، ج ۵، ص ۱۵۳)

۱,۳. مسکن

تمام فقهای مذاهب بر وجوب تهیه مسکن برای زوج، با استناد به آیه: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُجْدِكُمْ» (طلاق: ۶) و آیات دیگر، اتفاق نظر دارند. در این آیه خداوند به مردان امر می کند

که زنانشان را سکنا دهند، در حدی که توانایی دارند. بر اساس ادله و جوب نفقه، زوج باید محلی را برای سکونت همسرش فراهم آورد، خواه محل مزبور ملک زوج باشد یا آن را به صورت اجاره یا عاریه یا طریق دیگر تهیه کرده و در اختیار همسرش قرار دهد. حق انتخاب مسکن با شوهر است و زن نمی‌تواند خانه مورد نظر خویش را بر شوهرش تحمیل کند، مگر این که اختیار مزبور به زن داده شود. البته شوهر نیز باید در انتخاب مسکن شئون همسر خود را رعایت کند و خانه‌ای مناسب و لایق حال او تهیه کند. آنچه در مسکن مورد اختلاف است، استقلال زن در سکونت، یا مشارکت او با دیگران است. نظر مشهور فقهای مذاهب پنجگانه این است که زن حق دارد از زندگی مشترک با هوو یا خانواده شوهر و یا هر فرد دیگری، خودداری کند و این انتفاع که در مقام ایفای حق، صورت می‌گیرد، نشوز محسوب نمی‌گردد. (کاسانی، ج ۵، ص ۱۴۴) البته برخی از فقها پس از اذعان به این حق برای زن، معتقدند زن حق مطالبه خانه مجزا و مستقل ندارد، بلکه فقط حق دارد به صورت مستقل، بدون مشارکت دیگران، در اتاق مستقلی، مناسب حالش، زندگی کند. مستند نظر فقها در استقلال زن در سکونت، آیات: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نسا: ۱۹) و «وَ لَا تُضَارُوهُنَّ لَتَضَيِّقُوا عَلَيْنَهُنَّ» (طلاق: ۴) می‌باشد. امر به معاشرت به معروف و نهی از ضرر رساندن به زوجه، اقتضاء دارد که زوج جانب استقلال زوجه را در محل سکونت رعایت کند. برخی از حنفی‌ها معتقدند ابا و امتناع زوجه از مشارکت خانواده همسر یا هوو و دیگران، در سکونت با وی، دلیل بر آزار و ضرر اوست که قرآن از آن نهی کرده است. برخی از مالکی‌ها معتقدند اگر زوجه از جهت موقعیت فردی یا اجتماعی مقام و منزلتی نداشته باشد، حق ندارد از سکونت خویشان زوج در منزلی که خود سکنی دارد خودداری کند، مگر این که از طرف آنان به او زیانی برسد و یا ضمن عقد، عدم اشتراک سکنی با آنان را شرط کند. به اعتقاد فقهای امامی اگر زوجه غیرناشزه باشد و تصریح به تبرعی بودن سکونت زوج در منزلش نکرده باشد و محلی را برای سکونت از شوهر مطالبه نکند، در وجوب اجرت اشکال وجود دارد، زیرا از طرفی اسکان حق زوجه است و این حق با سکونت وی و عدم مطالبه منزل، ساقط نمی‌گردد. پس زمانی که زوج منزلی را برای سکونت در اختیار زوجه قرار ندهد، عوض آن سکنی برای زن خواهد بود که آن عوض اجاره است.

۱.۴. خادم

منظور از خادم، خدمتکار زن یا مرد می‌باشد که کارهای منزل زوجه را انجام دهد و در کارهای منزل کمک کار او باشد.

خدمت زوج به زوجه

چنان چه زوج به جای استخدام خادم، خود خواستار خدمت به همسرش باشد تا به این وسیله هزینه‌های خادم را از خود اسقاط کند به نظر اکثر فقهای زن می‌تواند به این خدمت زوج رضایت ندهد. (ابن قدامه، ج ۸، ص ۲۰۱ و شربینی، ج ۵، ص ۱۶۱) و برخی از مالکی‌ها معتقدند که زن باید این خدمت



را بپذیرد و زوج چنین حقی را دارد چراکه خدمت کردن حقی است که بر زوج واجب شده است. (نجفی، ج ۳۱، ص ۳۳۷ و محقق حلی، ج ۲، ص ۲۹۴)

تعیین خادم

به عقیده فقهای امامی، شافعی و مالکی در ابتدا حق تعیین خادم با زوج است، زیرا آنچه در وجوب استخدام برای گروهی از زنان مطلوب بوده، نفس خدمت است و چنانچه خدمتی که بواسطه زوج یا کسی که او تعیین نموده، برای زوجه کافی باشد، تکلیف به نفقه در این مورد ساقط است، همانگونه که تکلیف به انفاق به نفقه در طعام، تکلیف به طعام معینی نیست و اگر به حد کفایت باشد، تکلیف ساقط است، علاوه بر آن که استخدام خادم چنانچه در اختیار زوجه باشد، امکان آن که زوج، به خادم منتخب ریبه و تهمت وارد نماید وجود دارد. حنبلیها معتقدند در صورتی که خادم ملک زوج باشد یا او را اجاره کرده باشد، در تعیین خادم، زوج حق تقدم دارد، اما اگر خادم ملک زوجه باشد، خادم باید با توافق زوجین تعیین گردد. (بهوتی، ج ۵، ص ۴۰۴)

تعداد خادم

همه مذاهب اسلامی، غیر از مالکیها، بیش از یک خادم را واجب نمی دانند. جمهور فقهای اهل سنت (ابوحنیفه، محمد، شافعی، احمد) معتقدند که تأمین بیشتر از یک خادم بر عهده زوج واجب نیست چون یک خادم کفایت می کند و نیاز زوجه با یک خادم برطرف می شود و ضرورتی برای تأمین دو خادم وجود ندارد. مالکیه در قول مشهورشان معتقدند که اگر شأن و موقعیت زن ایجاب می کند که بیش از یک خادم داشته باشد زوج ملزم به تأمین آن می شود.

نفقه خادم

از نظر حنابله نفقه خادم و هزینه های وی از پوشاک و طعام همانند نفقه زن فقیر می باشد. شافعیها همان جنسی را که در طعام و لباس زوجه بیان شد با همان معیار و ملاک ذکر شده در نفقه خادم واجب می دانند؛ اما از نظر فقهای عامه اگر زوج فقیر باشد گرفتن خادم و نفقه او بر زوج واجب نیست چراکه از نظر آنان گرفتن خادم از ضروریات زندگی محسوب نمی شود و در این صورت زوجه باید در حد توان خویش خود را خدمت بنماید. در تعیین مقدار و جنس و نوع نفقه خادم برخی از فقهای امامیه عادت امثال خادم و قدر کفایت وی را معتبر می دانند. (شهیدثانی، ج ۸، ص ۴۵۸ و علامه حلی، ج ۳، ص ۱۰۵ و فاضل هندی، ج ۸، ص ۵۶۶) و برخی دیگر عادت امثال زنی که آن خادم را دارد معتبر می دانند. (بحرانی، ج ۲۵، ص ۱۲۳)

۲. معیار و ملاک در نفقه زوجه

در مورد ملاک تعیین میزان و مقدار نفقه در میان فقهای امامیه و اهل سنت سه نظریه وجود دارد.

۲،۱. ملاک در تعیین میزان و مقدار نفقه توان اقتصادی شوهر است

ملاک در میزان و مقدار نفقه حال زوج است. برخی از فقهای حنفیه (بدران ابوالعینین، ج ۱، ص ۲۴۶ و جزیری، ج ۴، ص ۴۹۳ و زحیلی، ج ۷، ص ۸۰۱) و شافعیه (شربینی، ج ۵، ص ۱۵۲) و امامیه (شیخ طوسی، ج ۶، ص ۶ و علامه حلی، ج ۷، ص ۳۱۹ و ابن براج، ج ۲، ص ۳۴۵ و مغنیه، ج ۵، ص ۳۱۳) معتقدند که ملاک در تعیین مقدار نفقه، حال زوج از جهت توانگری و فقر می باشد بنابراین بر طبق این نظریه زوج باید متناسب با وضعیت مالی خود به همسرش نفقه بپردازد مهم ترین دلایل این گروه عبارت است:

- آیه: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق: ۷) بر طبق این آیه شریفه هر کسی به اندازه وسعت و توانایی خویش انفاق می کند کسی که دارای وسعت و گشایش در روزی است بر حسب حال خود و با گشاده دستی و کسی که رزق و روزی اش کم است و معسر و تنگدست می باشد به میزان آنچه که خدا به او عطا کرده انفاق نماید.

- آیه: «أَسْكِنُوهُمْ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ» (طلاق: ۶) در این آیه شریفه به مردان امر شده است که به اندازه توان و قدرت مالی که دارند به زنان نفقه پرداخت نمایند.

- از آنجایی که زوجه از وضعیت و توانایی مالی مرد آگاهی داشته و با این وجود به ازدواج با او رضایت داده است بنابراین این اقدام وی دلیل بر رضایتمندی او به وضعیت معیشتی مرد می باشد. (بدران ابوالعینین، ج ۱، ص ۲۴۶)

۲،۲. ملاک در تعیین میزان و مقدار نفقه وضعیت زوجه است

طرفداران این نظریه (شهید اول، ص ۱۸۹ و محقق حلی، ج ۲، ص ۲۹۳ و نجفی، ج ۳۱، ص ۲۳۰ و بحرانی، ج ۲۵، ص ۱۲۰ و فاضل هندی، ج ۷، ص ۵۶۳ و موسوی عاملی، ج ۱، ص ۴۸۶) استدلال کرده اند به:

- آیه: «عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۳) که در این آیه شریفه رزق و کسوه به ضمیر «هن» اضافه شده است که به والدات در صدر آیه باز می گردد. (مغنیه، ج ۵، ص ۳۰۷) بنابراین بر طبق این آیه ملاک در تعیین مقدار نفقه زنان هستند نه مردان.

- آیه: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) بر طبق این آیه شریفه معاشرت به معروف این است که زوج آنچه را که زوجه بدان نیازمند است متناسب با وضعیت و شأن خانوادگی او تأمین نماید.

- سخن پیامبر به هند، همسر ابوسفیان «خُذِي مَا يَكْفِيكِ وَوَلَدِكَ بِالْمَعْرُوفِ: به مقداری که تو و فرزندت را کفایت کند به شایستگی از اموال او بگیر». این روایت دلالت بر مراعات کفایت زوجه و رفع نیازمندی های وی به طور متعارف دارد. (بصری، ص ۶۳)

- نفقه زوجه از این جهت واجب شده است تا نیازهای زوجه بر آورده شود بنابراین موقعیت و وضعیت او در رفع نیازمندی ها معتبر می باشد نه کسی که نفقه بر او واجب شده است.

- نفقه ای که به حکم زوجیت بر مرد واجب شده است همچون «مهر» اندازه معینی ندارد



بنابراین تعیین آن متناسب با وضعیت و شأن زوجه می‌باشد همان‌گونه در مهر چنین است. اکثر فقهای امامیه در تعیین مقدار نفقه حال زوجه را ملاک می‌دانند. (شهید ثانی، ج ۸، ص ۴۵۶)

۲،۳. ملاک تعیین میزان نفقه

کیفیت نفقه زوجه در این نظریه منوط به رعایت حال هر یک از زوجین می‌باشد بنابراین اگر زوجین از نظر مالی هر دو ثروتمند باشد نفقه افراد ثروتمند برای زوجه در نظر گرفته می‌شود و چنانچه زوجین هر دو فقیر باشند نفقه وضعیت عسر در نظر گرفته می‌شود؛ اما اگر یکی از زوجین ثروتمند و دیگری فقیر باشد نفقه بر حسب حال هر دو تعیین می‌شود. (جزیری، ج ۴، ص ۴۹۳) مالیکه، حنابل و حنفیه در یکی از دو قولشان نظریه فوق را پذیرفته‌اند. (ابن قدامه، ج ۸، ص ۱۹۵ و ابن رشد قرطبی، ج ۲، ص ۵۴)

اولویت این نظریه بر دو نظر پیشین این است که حال و وضعیت هر دو طرف در نظر گرفته می‌شود. تفاوت این سه نظریه در حالتی که زوجین از نظر مالی و معیشتی اختلاف داشته باشد آشکار می‌شود چون در صورتی که زوجین هر دو ثروتمند یا فقیر باشند مشکلی پیش نمی‌آید و اختلافی هم در این دو صورت وجود ندارد اما چنانچه زوج ثروتمند و زوجه فقیر باشد متعارف و شایسته نیست که نفقه افراد فقیر را برای زوجه در نظر بگیریم همان‌طور که عکس آن نیز چنین است و برای زوجه شایسته نیست که در تنگدستی و فقر شوهر نفقه افراد ثروتمند را از او مطالبه نماید زیرا خداوند متعال فرموده است: «لَا يَكْلَفُ...». (ابوزهره، ص ۲۸۷ و بصری، ص ۶۳)

هم‌چنین این نظریه به خاطر جمع بین ادله بر دو نظریه پیشین ترجیح دارد زیرا آیه ۷ سوره طلاق دلالت بر مراعات حال زوج در تعیین میزان نفقه دارد و آیه ۱۹ سوره نساء و حدیث «خُذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدِكَ بِالْمَعْرُوفِ» دلالت بر مراعات کفایت زوجه به‌طور متعارف دارد. بنابراین از جمع بین ادله، نتیجه گرفته می‌شود که ملاک تعیین مقدار نفقه، حال زوجین می‌باشد. (بصری، ص ۶۴)

دکتر کاتوزیان در تأیید نظریه فوق می‌فرماید که: ملاک تعیین نفقه نباید تنها وضعیت زن قرار داده شود بلکه موقعیت و وضع مالی شوهر نیز مورد نظر باشد زیرا زن و شوهر پس از نکاح یک خانواده را تشکیل می‌دهند و جدای از هم نیستند بنابراین اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین مقدار نفقه بداند همچنان‌که، اگر زنی ثروتمند با کارگر ساده‌ای ازدواج کند نمی‌تواند از او انتظار فراهم کردن زندگی اشرافی داشته باشد. (کاتوزیان، ج ۱، ص ۱۷۴)

نتیجه‌گیری

وجوب نفقه زوجه امری اجماعی بین فقهای اسلامی به شمار می‌رود و آیات و روایات متعددی بر آن دلالت دارد به حدی که اصل وجوب نفقه مسلم و قطعی است و هیچ‌کس در آن شک و تردید ندارد و از مبانی فقهی وجوب نفقه که مورد اتفاق فقها می‌باشد می‌توان به کتاب، سنت، اجماع و

عقل اشاره نمود؛ و در رابطه با ماهیت نفقه، از موارد اتفاق فقهای مذاهب حکم به امتاعی بودن مسکن و خادم می‌باشد و موارد اختلاف آن‌ها، اختلاف در امتاعی یا تملیکی بودن لباس، اثاث منزل و خوراک و اختلاف در مبدأ استحقاق نفقه می‌باشد. به نظر برخی فقها دلیلی برای حصر انواع نفقه وجود ندارد و آیات و روایاتی که به خوراک و پوشاک و مسکن اشاره می‌کند، در مقام بیان نیازمندی‌ها می‌باشد، نه در مقام تحدید نفقه، هم‌چنین اطلاق ادله، مانند: «وَ عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» معیار و ملاک تشخیص نوع و جنس و به نظر برخی از فقها مقدار نفقه می‌باشد و اگر این ملاک نتواند وجود برخی از انواع نفقه، مانند هزینه‌های دارو و درمان و نظافت و تزئین را ثابت کند، در سایر موارد، مانند خادم و فرش و اثاث منزل و... نیز اعتبار خود را از دست خواهد داد. از این‌رو، باید همه موضوعات نفقه، بلکه نیازمندی‌های دیگر که قابل شمارش نیست، واجب باشد. هم‌چنین بهتر است که تعیین موضوع و نوع نفقه را به عرف و عادت محول کرد و آنچه شوهران به همسران خود از جهت زوجیت و نه از جهت شدت علاقه و... می‌پردازند، از موضوعات نفقه محسوب شود؛ و فقها در بیان انواع و مصادیق نفقه برخی سه، بعضی شش و برخی هفت و در نهایت هشت مورد را ذکر نموده‌اند اما با تأمل و دقت در دلایل وجوب نفقه زوجه این چنین به نظر می‌رسد که تأمین نیازمندی‌های زن بر مرد واجب و لازم است و مصادیق آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، گوناگون خواهد بود و آنچه فقها در ذکر مصادیق ایراد نموده‌اند برای بیان موارد رایج در عصر خودشان بوده است و جنبه انحصاری ندارد. بنابراین می‌توان گفت که معیار و مقیاس شرعی در شناخت حوزه نفقه و مصادیق آن هر چیزی است که تحت عنوان «معاشرت به معروف» قرار گیرد از نیازهای ضروری مانند خوراک، پوشاک و مسکن و غیر ضروری مانند وسایل آرایش و تجملی بر حسب آنچه که عرف و عادت اجتماعی اقتضای آن را دارد.

منابع

قرآن مجید

منابع فارسی

۱. امامی، سید حسن (۱۳۷۷) حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ پانزدهم.
۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸) حقوق مدنی خانواده (نکاح و طلاق روابط زن و شوهر)، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.
۳. (۱۳۸۵) دوره مقدماتی حقوق خانواده، تهران، چاپ پنجم.
۴. (۱۳۸۹) قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و چهارم.

منابع عربی

۱. ابن براج، طرابلسی، قاضی، عبد العزیز (۱۴۰۶ هـ د ق) المذهب، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲. ابن رشد قرطبی، أبو الولید محمد بن احمد (۱۴۲۵ هـ ق) بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، دار الحدیث، القاہرہ.
۳. ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۲ هـ ق) رد المختار علی الدر المختار، شرح تنویر الابصار، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم.



۴. ابن قدامه، عبد الله بن احمد (۱۳۸۸ هـ ق) المغني، مكتبة القاهره.
۵. ابوزهره، محمد (۱۹۸۵ م) عقد الزواج وآثاره، جامعهاالدول العربيه.
۶. بدران ابو العينين، بدران، (بى تا)، الزواج والطلاق، بيروت، دار النهضة العربيه.
۷. بحراني، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم، (۱۴۰۵ هـ ق) الحدائق الناضره فى أحكام العتره الطاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۸. البغوى، ابو محمد بن الحسين بن مسعود بن الفراء، (۱۴۱۸ هـ ق) التهذيب فى فقه الامام شافعى، بيروت، دارالكتاب العلميه، چاپ اول.
۹. البصرى، عارف (۱۴۰۱ هـ ق) نفقات الزوجه فى التشريع الاسلامى، بيروت، الدار الاسلاميه.
۱۰. بهوتى، منصور بن يونس بن ادريس، (بى تا) كشاف القناع عن متن الإقناع، بيروت، دار الكتب العلميه.
۱۱. جزيرى، عبدالرحمن (۱۴۱۰ هـ ق) الفقه على المذاهب الاربعه، كتاب النكاح وكتاب الطلاق، بيروت، دارالكتب العلميه.
۱۲. حصكفى (۱۳۸۶ هـ ق) الدر المختار، بيروت، دارالفكر.
۱۳. حلى، جمال الدين، احمد بن محمد اسدى (۱۴۰۷ هـ ق) المهذب البارع فى شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۱۴. حلى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى (۱۴۱۰ هـ ق) ارشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۱۵. حلى، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ هـ ق) السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم.
۱۶. حلى، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ هـ ق) شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام، قم، مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم.
۱۷. زحيلي، وهبه بن مصطفى، (۱۴۰۴ هـ ۱۹۸۴ م) الفقه الإسلامى وأدلته، الاحوال الشخصيه، دمشق، دارالفكر، چاپ اول.
۱۸. سبزوارى، سيد عبد الأعلى (۱۴۱۳ هـ ق) مهذب الأحكام فى بيان الحلال والحرام، قم، مؤسسه المنار، دفتر حضرت آيه الله، چاپ چهارم.
۱۹. سيواسى، كمال الدين محمد بن عبد الواحد، (بى تا) شرح فتح القدير، بيروت، دارالفكر.
۲۰. شهيد ثانى (۱۴۱۳ هـ ق) مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، چاپ اول.
۲۱. شربينى، شمس الدين، محمد بن احمد الخطيب، (۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م) مغنى المحتاج إلى معرفه معانى الفاظ المنهاج، دار الكتب العلميه، چاپ اول.
۲۲. شوكانى، محمد بن عبدالله (۱۴۱۳ هـ ۱۹۹۳ م) نيل الاوطار، مصر، دار الحديث، چاپ اول.
۲۳. صدر، شهيد (۱۴۲۰ هـ ق) سيد محمد، ماوراء الفقه، بيروت، دار الاضواء، چاپ اول.
۲۴. طوسى، أبو جعفر محمد بن الحسن (۱۳۸۷ هـ ق) الميسوط فى فقه الاماميه، تهران، المكتبه القاهره، چاپ سوم.
۲۵. (۱۴۰۷ هـ ق) الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۲۶. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ هـ ق) كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۲۷. كاسانى، علاء الدين ابو بكر بن مسعود (۱۴۰۲ هـ ق) بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، بيروت، دارالكتاب العربى.
۲۸. مغنيه، محمد جواد (۱۴۲۱ هـ ق) فقه الإمام الصادق عليه السلام، قم، مؤسسه انصاريان، چاپ دوم.
۲۹. موسوى عاملى، محمد بن على (۱۴۱۱ هـ ق) نهايه المرام فى شرح مختصر شرائع الإسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۳۰. نجفى، محمد حسن (۱۴۰۴ هـ ق) جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، بيروت، دار احيا التراث العربى، چاپ هفتم.